

فلسفه

# جان استیوارت میل

سوزان لی اندرسن

ترجمه

خشایار دیهیمی

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران-۱۳۹۷

## فهرست

پیشگفتار مجموعه / هفت

پیشگفتار / ۱

۱. زندگی میل و تحوّل و تکامل دیدگاه‌هایش / ۵

۲. جرمی بنتام و «حساب لذت» / ۵۱

۳. فایده‌گرایی / ۶۹

۴. رساله آزادی / ۹۵

۵. ارزیابی نهایی / ۱۲۵

کتاب‌شناسی / ۱۳۷

نمایه / ۱۳۹

## پیشگفتار مجموعه

نام مجموعه حاضر در اصل *Wadsworth Philosophers Series* است و سرویراستار آن دنیل کولاک (Daniel Kolak). هدف مجموعه آشنا کردن خوانندگان با مهم‌ترین فیلسوفان و مسائل فلسفی از آغاز تا به امروز است و مهم‌تر و فراتر از آن ترغیب خوانندگان به تفکر فلسفی و درگیر شدن با مسائل فلسفی. به عبارت دیگر، این کتاب‌ها می‌خواهند شوق خواندن، فکر کردن، و آموختن را برانگیزند و هراسی را که خوانندگان معمولاً از «فلسفه» دارند برطرف کنند. با خواندن این کتاب‌ها شما فیلسوف یا متخصص فلسفه نخواهید شد، اما اگر خودتان را درگیر بحث‌های این کتاب‌ها کنید، قطعاً درخواهید یافت که «فلسفه»، آن‌گونه که تاکنون به ما القا شده است، امری انتزاعی و تجریدی نیست که فقط به کار پرابهت کردن کلام و مرعوب کردن مخاطبان بیاید، بلکه دانشی است که به کار زندگی و پاسخ دادن به اساسی‌ترین سؤالات بشری می‌آید و نگاه ما را به مسائل ازلی و ابدی «وضع بشری»، از زندگی روزمره گرفته تا مسائل اجتماعی و سیاسی و روان‌شناختی، غنی‌تر و عمیق‌تر می‌کند.

کتاب‌های این مجموعه به زبانی ساده نوشته شده‌اند و اصطلاحات فنی دشوار در آنها بسیار اندک و در حد ضروری است و همین اندک هم، هر جا ضرورتاً به کار رفته، با توضیحی قابل فهم برای همگان همراه شده است. بنابراین خواندن کتاب‌های این مجموعه نیازی به اطلاعات خاص قبلی و آشنایی با فلسفه ندارد. اما این بدان معنا نیست که رسیدن به عمق مطلب و درگیر شدن در بحث‌ها به صورت فعال، و نه انفعالی، نیازمند جدّ و جهدی از سوی خواننده نیست، به عکس، این کتاب‌ها فقط زمانی می‌توانند سودمند باشند که خواننده هم تلاش لازم را به خرج دهد.

این مجموعه با نگاه «تحلیلی» نوشته شده است و حتی آثار فیلسوفان غیرتحلیلی یا آثار کسانی که به فیلسوف بودن شهره نیستند با نگاه تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان کتاب‌ها البته نظر خاص خودشان و تفسیر خاص خودشان را ارائه کرده‌اند که طبیعتاً کلام آخر و یگانه تفسیر ممکن نیست. این نکته را خواننده باید در نظر داشته باشد. حتی مترجمان کتاب‌ها هم با همه تفسیرهای عرضه‌شده در کتاب‌ها موافقت نداشته‌اند.

در ترجمه‌ها سعی شده است همان سادگی و روانی که در کتاب‌های اصل هست محفوظ بماند و دشواری بیشتری برای خواننده فارسی‌زبان پیش نیآورد. امید آنکه این مجموعه پاسخگوی نیاز طالبانش باشد و به هدفش که تقویت پایه‌های دانش و فرهنگ عمومی است برسد.

## پیشگفتار

یوجین آوگوست<sup>۱</sup> در کتابش *جان استیوارت میل*، ذهنی پهن‌اور<sup>۲</sup> می‌نویسد:

میل آخرین «ذهن رنسانسی» بزرگ اندیشه غربی بود که شاهانه همه دانش قلمرو خویش را در اختیار گرفته بود. او در ضمن نخستین متفکر بزرگ میان‌رشته‌ای در جهان مُدرن بود که حوزه‌های مختلف دانش‌هایی را، که کارهای درخشانی در آنها کرده بود، به هم پیوند می‌داد. در جهانی احاطه‌شده با دانش‌های متعدد و تخصص‌های تنگ، میل همچنان نمونه آموزنده بزرگ یکپارچگی فکری است.<sup>۳</sup>

در مقدمه‌ای مختصر بر فلسفه جان استیوارت میل، محال است بتوان حق مطلب را در مورد همه کارهای او ادا کرد و به همه مسائلی پرداخت که در نوشته‌هایش مورد بحث قرار داده است. من هم چنین

1. Eugene August

2. *John Stuart Mill, A Mind at Large*

3. Eugene August, *John Stuart Mill, A Mind at Large*, Charles Scribner's Sons, New York, 1975, p. 5.

قصدی ندارم. به عکس، من همهٔ توجهم را معطوف سه اثر او، که مشهورترین آثارش هم هستند، خواهم کرد: *زندگینامه شخصی*<sup>۱</sup>، *فایده‌گرایی*<sup>۲</sup> و *رساله آزادی*<sup>۳</sup>. *زندگینامه شخصی* اطلاعاتی دربارهٔ زندگی میل و تکوین و پرورش اندیشه‌اش به ما می‌دهد و چیزهایی هم از بقیهٔ رشته‌های فعالیت او دستگیرمان می‌شود. در آن دو کتاب دیگر، که بی‌تردید از پرخواننده‌ترین آثار فلسفی هستند، آشکارا می‌بینیم که چگونه میل به دو جهت مختلف کشیده می‌شود. نبرد بزرگی که در قرن نوزدهم میان فیلسوفان فردگرا و جمع‌گرا جریان داشت و هنوز هم جریان دارد،<sup>۴</sup> در دل و ذهن میل هم جریان داشت.

*فردگرایی* بیان این نظر است که فرد مهم‌ترین واحد وجودی است و جامعه فقط برای این است که افراد از آن منتفع شوند، نه به عکس. افراد باید حق داشته باشند هرطور دلشان می‌خواهد زندگی کنند، فقط به شرطی که اجازه دهند دیگران هم هرطور دلشان می‌خواهد زندگی کنند. در مقابل، *جمع‌گرایی* بیان این نظر است که افراد تابع جامعه‌اند. باید از افراد خواسته شود که در جهت منافع جامعه عمل کنند.<sup>۵</sup> *رساله آزادی*، از نظر عدهٔ بسیاری، دفاعی کلاسیک از فردگرایی است؛ حال آنکه *فایده‌گرایی* قطعاً استدلالی است له فلسفه

1. *Autobiography*

2. *Utilitarianism*

3. *On Liberty*

۴. برخی از واضح‌ترین بیان‌ها و قوی‌ترین دفاع‌ها را از فردگرایی و جمع‌گرایی می‌توان در آثار فیلسوفان قرن نوزدهم یافت، فردگرایانی چون کی‌یرکگور و نیچه، و جمع‌گرایانی چون هگل، مارکس، و انگلس.

۵. برای بحثی مبسوط‌تر در مورد این دو موضع، رجوع کنید به:

Susan Leigh Anderson, "Natural Rights and the Individualism Versus Collectivism Debate", *The Journal of Value Inquiry*, Vol. 29, 1995, pp 307-16

جمع‌گرایانه. آیا این دو را می‌توان با هم آشتی داد؟ آنچه در این کتاب در کانون توجه قرار خواهیم داد همین مسئله است.

من *فایده‌گرایی میل* را پیش از *رساله آزادی* مورد بحث قرار خواهم داد، اگرچه ترتیب انتشار آنها عکس این بوده است، اما من به سه دلیل چنین می‌کنم: (۱) فلسفه فایده‌گرایی میل مقدم بر اندیشه‌هایی بوده است که میل در *رساله آزادی* مطرح می‌کند؛ (۲) میل می‌کوشد نظریاتی را که در *رساله آزادی* مطرح می‌کند به کمک فلسفه فایده‌گرایی مدلل و موجه سازد، پس برای فهم درست *رساله آزادی* باید پیش‌تر چیزهایی از فایده‌گرایی دانست؛ (۳) روایت خاص میل از عمل-فایده‌گرایی لذت‌طلبانه<sup>۱</sup> مبتنی بر اندیشه‌های جرمی بنتام است، البته با تجدیدنظرهایی به انگیزه<sup>۲</sup> رفع نواقص فلسفه بنتام. بنابراین، فکر می‌کنم لازم است فصلی مستقل به فلسفه بنتام اختصاص داده شود و واکنش میل به این فلسفه مورد بررسی قرار گیرد. پس به نظر می‌رسد جای مناسب این فصل، بین فصول مربوط به زندگی میل و فصل *فایده‌گرایی* است، چون بنتام یکی از سه فرد مهم در زندگی میل بود.

آن دو فرد مهم دیگر در زندگی میل، پدرش و عشق بزرگ زندگی‌اش، یعنی هریت تیلور<sup>۲</sup>، بودند (هریت سرانجام به همسری جان درآمد). هریت زمانی به میل گفته بود: «تو شاخص‌ترین انسان عصر خود می‌بودی، حتی اگر هیچ نمی‌داشتی جز همین بی‌غرضی کامل و عشق پابرجایت به عدالت.»<sup>۳</sup> کمتر کسی در بی‌غرضی میل ممکن است تردید کند؛ اما عده زیادی ممکن است از اینکه او، با

1. hedonist act-utilitarianism

2. Harriet Taylor

3. Hayek, F. A., *John Stuart Mill and Harriet Taylor*, Routledge and Kegan Paul, London, 1951, p. 114.

توجه به فایده‌گرایی‌اش، قهرمان عدالت خوانده شود به شگفت آیند. من، در فصل سوم، خواهم کوشید توضیح دهم «عشق پابرجای او به عدالت» کاملاً با فلسفه کلی او همخوانی دارد.

بسیار متأسفم که نمی‌توانم از دیگر آثار میل بیشتر سخن بگویم. سعی کرده‌ام این نقص را با توصیف مختصری از محتوای آنها در فصل آغازین جبران کنم. بدین ترتیب، خوانندگان می‌توانند با دیگر آثار بزرگ میل هم آشنا شوند و در صورت علاقه آنها را هم ملاحظه کنند.

مایلم از ویلیام و دیوید آلپرت<sup>۱</sup> به خاطر کمک‌هایشان تشکر کنم و این کتاب را هم به دانشجویان سابق و فعلی‌ام هدیه می‌کنم که با حوصله گوش به این ادعای مکرر من سپرده‌اند که فردگرایی در برابر جمع‌گرایی مسئله اصلی مورد بحث در اخلاق و سیاست است.



## زندگی میل و تحوّل و

### تکامل دیدگاه‌هایش

جان استیوارت میل در بیستم مه ۱۸۰۶ در لندن به دنیا آمد. او نخستین فرزند جیمز و هریت بارو میل<sup>۱</sup> بود. جیمز میل (۱۷۷۳-۱۸۳۶) - فیلسوف، مورخ، اقتصاددان، و روانشناس - تأثیرگذارترین آدم در زندگی میل در سال‌های شکل‌گیری شخصیتش بود. بنابراین، بجاست داستان زندگی جان استیوارت میل را با سخنانی درباره پدرش آغاز کنیم.

جیمز میل فرزند یک کفاش افتاده‌حال روستایی اسکاتلندی بود. اما مادر مغرورش، که پیش از ازدواج روزگار بهتری داشت، عزمش را جزم کرده بود که نخستین فرزند ذکورش را «آقا» بار بیاورد. خواهر و برادر کوچک‌تر جیمز مجبور بودند در مغازه، خانه، و مزرعه کار کنند، حال آنکه جیمز اجازه نداشت کار یدی بکند و می‌بایست همه وقتش را صرف مطالعه و یادگیری کند. با کمک کشیش محلی و سرجان و لیدی جین استیوارت او فترکن<sup>۲</sup>،

1. James and Harriet Burrow Mill

2. Sir John and Lady Jane Stuart of Fettercairn

که از جیمز خوششان آمده بود، جیمز توانست به دانشکده مونتروز<sup>۱</sup> برود و بعد هم به دانشگاه ادینبرو<sup>۲</sup> فرستاده شد تا به سلک کشیشان درآید. لیدی جین مسئول صندوق کمک مالی به آموزش جوانان بی‌بضاعت بود تا به خدمت کلیسا درآیند.

جیمز در هفده سالگی به استخدام سر جان و لیدی جین درآمد تا به تنها دخترشان، ویلهلمینا<sup>۳</sup>، که چهارده سال داشت، آموزش خصوصی بدهد. او چهار سال، در طول سال تحصیلی، در ادینبرو، که استیوارت‌ها زمستانشان را در آنجا می‌گذراندند، و تابستان‌ها در فترکرن، به ویلهلمینا آموزش خصوصی داد. جیمز عاشق ویلهلمینا شد؛ اما چون «اراده‌ای آهنین» داشت بر احساساتش غالب آمد. ما نمی‌دانیم ویلهلمینا چه نظری درباره معلم جوان زیباروی چشم‌آبی‌اش داشت، اما سرانجام با پسر بانکداری به نام سر ویلیام فوربس<sup>۴</sup> ازدواج کرد و بعدها هم گرفتار عشقی رمانتیک و پرشور به سر والتر اسکات<sup>۵</sup> شد. برخی زندگینامه‌نویسان معتقدند که ویلهلمینا یگانه عشق جیمز میل در سراسر زندگی بود.

جیمز، در ایام تحصیل در ادینبرو، افلاطون را کشف کرد. بعدها این حس ستایش عظیم نسبت به افلاطون را به پرسش، جان، منتقل کرد. در همین ایام، جیمز آثار برخی از شکاکان را هم مطالعه کرد، از جمله روسو، ولتر، و هیوم، و در نتیجه به دنبال حرفه‌ای که برای آن تربیت شده بود نرفت، و «به خودش قبولاند که نمی‌تواند به آموزه‌های کلیسای اسکاتلند یا هر کلیسای دیگری باور آورد.»<sup>۶</sup>

1. Montrose Academy

2. University of Edinburgh

3. Wilhelmina

4. Sir William Forbes

5. Sir Walter Scott

6. John Stuart Mill, *Autobiography*, the Library of Liberal Arts, New York, 1957, p. 4.

جیمز، پس از تحصیل در ادینبرو، چند سالی زندگی‌اش را از راه تدریس خصوصی در اسکاتلند تأمین می‌کرد. زمانی که در استخدام شخصی به نام برنت آو الریک<sup>۱</sup> بود، به یک اشاره انگشت از جلسه اخراج شد، و در نتیجه از خانه بیرون رفت و دیگر هرگز بازنگشت. چنین واکنشی نسبت به یک «آدم محترم» از پسر یک کفاش روستایی امری بی‌سابقه بود.<sup>۲</sup>

در ۱۸۰۲، جیمز میل، در بیست و نه سالگی، در معیت سر جان استیوارت، اسکاتلند را به قصد لندن ترک کرد. در لندن، خیلی زود، از راه نوشتن برای مجلات و ویراستاری، درآمد مختصری پیدا کرد. در ۱۸۰۵، با هریت بارو، دختری بسیار زیبا که ده سال از او کوچک‌تر بود، ازدواج کرد. هریت دختر بزرگ زن بیوه‌ای بود که یک آسایشگاه روانی خصوصی را اداره می‌کرد. جیمز و هریت به خانه کوچکی در پنتونویل<sup>۳</sup> نقل مکان کردند که صاحبش خانم بارو بود. سال بعد، جان استیوارت میل، به دنیا آمد. نام او را به احترام ارباب فترکرن جان استیوارت گذاشتند. هریت که زنی پرنشاط و سرزنده بود بیشتر دل‌مشغول ظواهر بود و دلش می‌خواست زندگی‌اش پر معاشرت‌تر از اینها باشد. زندگی محقرانه‌ای که داشتند خیلی زود دلش را زد؛ و جیمز بی‌شکیب و طعنه‌زن، که احتمالاً جای خالی زن هوشمندی چون ویلهلمینا را، که بتواند با او همفکری کند، حس می‌کرد، اندک‌اندک عادت کرد به زنش فقط به چشم «کدبانو» بنگرد. آن دو صاحب نُه فرزند شدند، اما در رابطه میان جیمز و

1. Mr. Burnet of Elrick

2. See Ruth Borchard, *John Stuart Mill, The Man*, Watts publishing Company, London, pp. 4-5.

3. Pentonville